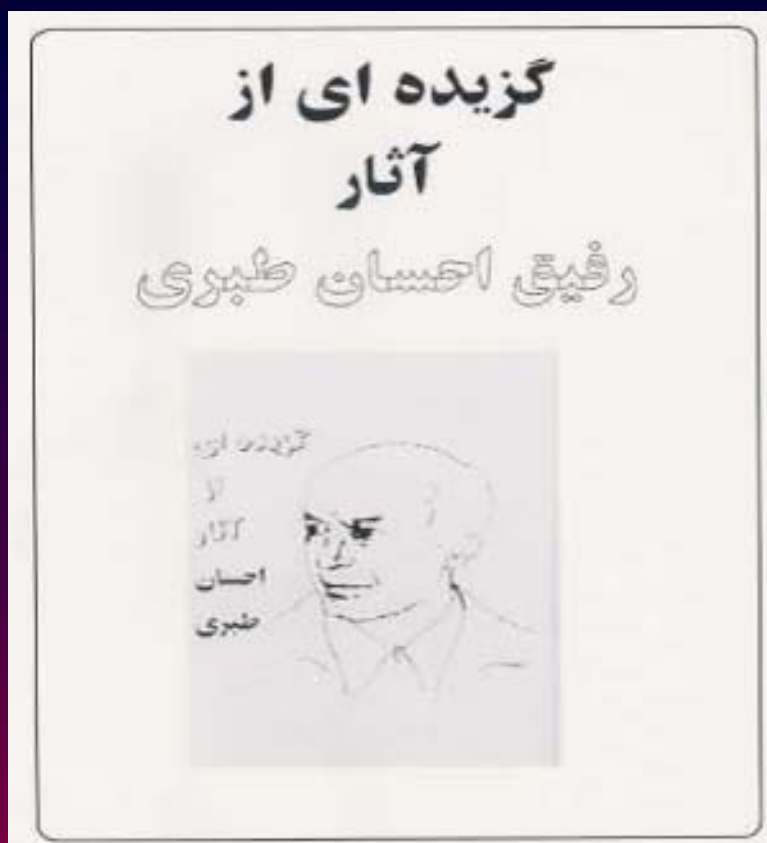




« بررسی شرایط ظهور و مراحل رشد و مبارزه و خصایص تاریخی حزب توده ایران »

(« نامه مردم » ، شماره ۸ ، اردیبهشت ۲۶)

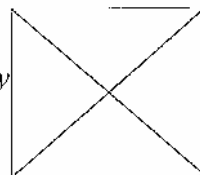
نقل از :



انتشارات حزب توده ایران

Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

URL: <http://www.tudehpartyiran.org>



بررسی شرایط ظهور و مراحل رشد ومبارزه و خصایص تاریخی حزب توده ایران

فقط از طریق تجزیه و تحلیل صحیح و نتیجه گیری درست می توان راه را بسوی آینده گشود. در این هنگام که حزب با مسائل عمده ای روبروست باید با اتکاء به اصول و قواعد محکمی که در دست داریم، گذشته را بررسی و آینده را طرح ریزی کنیم. در این مقاله و مقالات بعدی به این کار دست زده شده. از کلیه رفقای مجاهد حزبی انتظار می رود که با مطالعه این مقاله و شرکت عملی در تجزیه و تحلیل مسائل تشکیلاتی به پیدایش راه درستی، که حزب ما را در مبارزه پیروز گرداند، کمک کنند.

الف - شرایط ظهور حزب توده ایران

گزیده ای از آثار رفیق احسان طبری

۷

حزب توده ایران در چه شرایطی ظهور کرد؟

حزب توده ایران کی، چرا و چگونه تشکیل شد؟

حزب توده ایران در گیسرودار دومین جنگ جهانی، هنگامی که حکومت دیکتاتوری رضاشاه پهلوی در سیاست باخت کرده و در اثر ورود سپاهیان ملل متفق سقوط نمود و مجلس فرمایشی فوئودال و بورژوازی او، مجلسی که تا دیروز نقاب قانون بر چهره کسریه استبداد رضاشاه می گذاشت، زیر فشار وقایع ناچار آزادی های دموکراسی بورژوازی را (آن هم بطور ناقصی) اعلام داشت، تشکیل گردید.

پرواضح بود که با درهم شکستن رژیم نظامی و پلیسی، رژیم شبه فاشیستی، طبقات زحمتکش که در تمام دوران بیست ساله استبداد با وحشیانه ترین شیوه ای استثمار می شدند، به یک مبارزه متشکلی دست می زدند.

این امر اولاً از آن جهت ناگزیر بود که در دوران حکومت رضا شاه رژیم بورژوازی رشد یافته و طبقه کارگر در کشور ایران، بدل به نیرویی شده بود، وجود عده ای از کارگران آگاه در میان طبقه کارگر موجب شد که با بروز نخستین فرصت برای عمل جنبش کارگری تحقق یابد.

این امر ثانیاً از آن جهت ناگزیر بود که دستگاه حکومتی رضا شاه با اعمال تبه کارانه خود دشمنی شدید ملت را برانگیخته و از توده هر گونه پیوندی را گسیخته، خود را مانند دژخمی در نظارش مجسم ساخته بود. واضح بود که توده کین جوی و خشمناک از بند رها شده بر ضد دژخیمان خود دست به مبارزه خواهد زد.

این امر ثالثاً از آن جهت ناگزیر بود که در نتیجه تأثیر مدنیت غربی و نفوذ آن در زندگی ایرانی، در اثر تحولات بورژوازی زمان رضا شاه و اصلاحاتی که در زمینه های تنگ و بطور سطحی و کج و معوجی اجرا می شد، درجه آگاهی توده ها بالا رفته و در میان مردم عقب مانده ایران، در میان عناصری که جز با مفاهیم عقب مانده زندگی و اجتماع سروکار نداشتند مفاهیم تازه زندگی و اجتماع راه یافت. واضح بود که ایده های تازه ای که در میان مردم نفوذ یافته بود بدل به قدرتی شده و به صورت جنبشی ظهور می کرد.

گزیده ای از آثار رفیق احسان طبری

۸

این امر رابعاً از آن جهت ناگزیر بود که جنگ بر ضد فاشیسم و به ویژه نبرد قهرمانانه ارتش سرخ و برملاشدن تبه کاری های فاشیستی پرده از روی بسی حقایق برداشت و مسئله مبارزه آزادی و استبداد، مبارزه سوسیالیسم و امپریالیسم را برجسته ساخته بود. تردیدی نبود که ملت ایران در کنار این مبارزه عظیم و شگفت نمی توانست بدون قضاوت، بی حرکت و بیطرف بماند. واضح بود که راه آزادی ملت ها در ایران دوستانی و راه برده کردن ملت ها دشمنانی خواهد یافت. چنین نیز شد. جنبش توده ای به صورت جنبش دوستان آزادی ملت ها و دشمنان برده شدن آنها ظهور کرد.

این امر خامساً و بالاخره از آن جهت ناگزیر بود که مبارزه بر ضد فاشیسم مبارزه پر ضد انواع اشکال برده کردن ملت ها، انواع شیوه های امپریالیستی را واضح کرده و فهمانده بود که ادامه واقعی مبارزه بر ضد فاشیسم همان مبارزه بر ضد امپریالیسم است. تردیدی نبود که ملت ایران با آگاهی از سیاست های غلام سازی امپریالیستی، با آگاهی از سیاست های تاراج گری امپریالیستی نمی توانست در مقابل آن بدون قضاوت، بی حرکت و بیطرف بماند. واضح بود که شیوه امپریالیستی در ایران دشمنانی می یابست پیدا کند و این دشمنان بخصوص باید از آن طبقاتی باشند که نه فقط از استثمار امپریالیسم، بلکه از استثمار اربابان و خان ها و کارفرمایان نیز رنج می برند. پس از ظهور یک جنبش توده ای ضد امپریالیستی ناگزیر بود.

چنین نیز شد. حزب توده ایران در نخستین روزهای آزادی نسبی ملت ایران، به وسیله آن کسانی که در مبارزه بر ضد استبداد رضاشاه، امپریالیسم و فاشیسم پیشرو بودند، تشکیل گردید. واضح بود که تشکیل دهندگان یک حزب از همان اول نمی توانند تماماً از کسانی باشند که علت وجودی و سیر آینده حزب را درک کرده و آن را بطور پی گیر و عصبه داری پشتیبانی کنند. در آغاز تشکیل یک حزب کسانی نیز پیدا می شوند که علت وجودی و سیر آینده حزب را درک نکرده و مطابق تمایلات خود به آن می پیوندند. در واقع بین موسسین حزب توده ایران چنین کسانی یافت می شدند. این افراد در نخستین برخورد با سیر واقعی حزب، با جهت یابی حقیقی آن، از حزب کنار رفتند و حزب در رشد خود دانشا شکل ایده تئولوژی و سازمانی معین تر و مشخص تری یافت.

این جهت یابی از چه قرار بود؟ مشخصات شکل ایده ثلوثی و سازمانی حزب چیست؟
 ۱) حزب توده ایران بزودی خود را یک حزب ضد فاشیست معرفی کرد، زیرا یک حزب پیشاهنگ نمی توانست بزرگترین نبرد تاریخی جاری را نادیده بگیرد و وضع خود را نسبت به آن نبرد تعیین نکند. واضح بود که وضع حزب توده ایران نسبت به پیکار بزرگ جاری نمی توانست وضع دفاع از فاشیسم باشد، زیرا فاشیسم برده کردن ملت ها و برقرار ساختن امپریالیسم آلمانی و سیادت کارفرمایان آلمانی را هدف قرار داده بود.

۲) حزب توده ایران حمایت خود را نسبت به طبقات کارگر و دهقان و پیشه ور ایرانی اعلام داشت و در رشد خود از آن ها قوت گرفت و این نیز امری واضح بود. حزبی که می خواست حزب پیشاهنگ باشد نمی توانست طبقات کهنه اجتماع، خان ها، ارباب ها و کارفرمایان را که از استبداد رضاشاهی حمایت کرده، به فاشیسم آلمانی کرشمه زده و از امپریالیسم انگلوساکسن دستور گرفته و اساس کار خود را بر اسیر و جاهل نگاهداشتن توده مردم گذاشته اند پایه قدرت خود قرار دهد. مسلم بود که تکیه گاه چنین حزبی باید طبقاتی باشد که تاریخ آینده را می سازند یعنی طبقات زحمتکش و مولد.

۳) حزب توده ایران خود را یک حزب ضد امپریالیست معرفی نمود و این مسلم بود که حزب توده ایران نمی توانست نسبت به امپریالیسم بیطرف بماند. اگر این حزب می خواست دائما از ملت حمایت کند و با دشمنان سعادت ملت پیکار نماید از مبارزه با امپریالیسم و مخالفت با دشمنان سعادت ملت یعنی عمال امپریالیسم و سیاست آن ها ناگزیر بود.

۴) حزب توده ایران خود را طرفدار یک رژیم دموکراسی نتیجه بخش و عقبه دار، یک رژیم دموکراسی واقعی نشان داد. مسلم بود که حزب توده ایران نمی توانست از هرگونه رژیم دیگری که در آن آزادی ملت و حقوق او تأمین نشده باشد، حمایت کند.

با معین شدن خطوط اساسی مبارزه، با معین شدن شکل ایده ثلوثی و سازمانی حزب، دوستان و دشمنان حزب در جامعه مشخص شدند. بزودی امپریالیسم و عمال آن اربابان و خان ها و کارفرمایان و طفیلی های جامعه، فاشیست ها و نیمه فاشیست ها، ستاینندگان رژیم قلدری رضا خان، طرفداران عقب ماندگی جامعه، خود را دشمنان شومین حزب توده ایران

دستگاه ارتجاعی را به گذشت هایی در حق کارگر وارد. طبقه کارگر که در دوران استبداد رضاشاه حتی از نام واقعی خود محروم بود و عسله خوانده می شد در اثر مبارزه حزب آگاه و متحد شد و بدل به قدرتی گردید و ارتجاع با اصرار خود در تملق از طبقه کارگر ثابت کرد که از این قدرت متشکل هراسناک شده است.

حزب در میان طبقه دهقان با شعار لغو بیگاری و سیورسات و مقررات جبارانه فئودالیسم، تخفیف ۲۵ درصد در بهره مالکانه، آزادی اتحادیه دهقانی نفوذ کرد و با سرعت شگفت دهقان و خورده مالک ایرانی را متشکل کرد و بدین ترتیب برای اولین بار در وسیع ترین طبقه زحمتکش ایران یعنی طبقه دهقان پایگاه محکمی یافت. دهقانان با شور و هیجان عجیبی شعارهای حزبی را استقبال کرده و اتحادیه دهقانی خود را ترتیب دادند.

در مبارزه خود برای وحدت طبقه دهقان و ایجاد یک اتحادیه وسیع دهقانی، حزب سد سدید خرافات و عقاید باطله را درهم شکسته، دهقان ایرانی را به وظایف طبقاتی خود متوجه ساخت و ادبار و فلاکت او را برایش ثابت کرد و نیروی عظیم او را به او متذکر شد.

در این مبارزه حزب موفق شد در بسیاری نقاط برای دهقانان امتیازاتی بدست آورد، ارتجاع را به تملق از این طبقه نیز که تا دیروز فطرتا غلام و بنده تلقی می شد وادارد. طبقه دهقان آگاه شد و به نیرویی مبدل گردید.

در مبارزه خود برای وحدت طبقه دهقان و ایجاد یک اتحادیه محکم دهقانی، حزب در شدیدترین مراحل مبارزه خونین خود وارد شده و باخشم وحشیانه مالکین روبرو گردید. آنها نمی خواستند باور کنند که دهقانان یعنی غلامان دیروزیشان دم از آزادی می زنند.

آنها شعارهای اتحادیه دهقانان را با نفرت و وحشت تلقی کردند و به واکنش های بسیار شدید و از روی هاری دست زدند و با وحشت تمام جبهه خود را برای مقابله با خطر عظیم رستاخیز دهقانان محکم کردند، در حقیقت مبارزه ارتجاع از زمانی شدید و جدی شد که حزب در طبقه دهقان نفوذ یافت.

در مبارزه خود برای وحدت طبقه دهقان و ایجاد یک اتحادیه محکم دهقانی، حزب برخورد که چه نیروی انقلابی شگرفی در میان این طبقه وجود دارد، نیرویی که با حمایت از

معرفی کردند و مبارزه اجتماعی شدید و بی سابقه ای بین حزب توده ایران، که روز به روز قوت می گرفت، و این طبقات که زیر رهبری امپریالیسم خارجی روز به روز حملات خود را شدیدتر می کردند، درگرفت.

ب - مراحل رشد و مبارزه حزبی

حزب توده ایران چگونه قوت گرفت، چگونه رشد کرد، مراحل رشد آن کدام است؟

حزب توده ایران بطور و با چه قوایی مبارزه کرد و نتایج مبارزه اش چه بود؟

حزب توده ایران در عرض مدتی نسبتا کوتاه توسعه یافت و رشد کرد و قوت گرفت. در عرض پنج سال صدها هزار کارگر و دهقان و پیشه ور در تمام کشور و اکناف آن زیر پرچم این حزب گرد آمدند. در نمایش کارگری اول ماه مه ۱۹۴۶ و نمایش حزبی مهرگان ۱۳۲۵ (پنجمین سال تأسیس حزب) از اعضاء حزب و اتحادیه های کارگری و دهقانی و طرفداران قریب یک میلیون کارگر و دهقان و پیشه ور و روشنفکر شرکت ورزیدند. این نمایش ها در نقاطی مانند آبادان جنبه نمایش دسته جمعی ملت را به خود گرفت. برای اولین بار در تاریخ ایران توده های عظیم کارگر و دهقان متشکل شده و در زیر شعارهای واحد یک حزب مترقی به نمایش دست زده بودند.

حزب در میان طبقه کارگر با شعار هشت ساعت کار، اضافه دستمزد و آزادی اتحادیه ها نفوذ کرد و از کارگر صنعتی جدید گرفته تا کارگران دستکار و صنعتگران قرون وسطایی (قالیباف ها و پارچه باف های یزد و کرمان و صنعتگران اصفهان) و کارگران صنعتی را متشکل ساخت.

در مبارزه خود، برای وحدت طبقه کارگر و ایجاد یک اتحادیه حقیقی کارگری، حزب انواع و اقسام کوشش های گوناگون امپریالیست ها و مرتجعین را در تأسیس اتحادیه های قلابی درهم شکست. و پروکوتورهایی را که با ماسک طرفداری از رنجبر و حمایت از سوسیالیسم می خواستند در میان کارگران نفاق بیاندازند، رسوا کرد.

در مبارزه خود برای وحدت طبقه کارگر و ایجاد یک اتحادیه حقیقی حزب موفق شد

پرولتاریا و اصناف شهر می تواند قدرت قاطع و کامل درمبارزه ضد ارتجاع بشود و به نفوذ امپریالیسم ضربت هنگفتی وارد آورد.

حزب در میان طبقه پیشه ور و نیم طبقه روشنفکر با شعار مبارزه با بوروکراسی، برقرار کردن دموکراسی، قطع ایادی استبداد و قلع ماده امپریالیسم نفوذ کرد. در مبارزه خود برای متشکل کردن روشنفکران، حزب موفق به ایجاد یک جنبش واقعی فکری در رشته های مختلف علمی و فلسفی و هنری گردید و تکان سختی به پایه های افکار خرافاتی و عتیق وارد ساخت، افق جدیدی در مقابل دانشوران و پژوهندگان گشود.

حزب در دانشگاه تهران نفوذ کرد و بهترین افراد روشنفکر را با راه ورش خود همراه ساخت. حزب همچنین در ادارات دولتی و بین کارمندان نفوذ یافت و در میان آنها اتحادیه های کارمندی ایجاد کرد و آنها را به مبارزه برضد بوروکراتیسم و فشار دستگاه دولتی رهنمون شد.

بدین ترتیب حزب در جامعه ریشه های عمیقی دواند و قوت گرفت. علل این توسعه و رشد سریع حزب چیست؟

چرا حزب توانست باین سرعت در جامعه ما ریشه های عمیقی بدواند؟

نخست اینکه راه حزب عینا همان راهی بود که ملت ایران خواستار پیموندنش بود. راه حزب راه ملت و هدف او هدف ملت بود و حزب در پیدا کردن راه خود به خطا نرفته بود. ملت و روستگی از قیود اقتصادی، استقلال واقعی و آزادی حقیقی را طالب بود. حزب نیز در راه این هدف ها مبارزه کرد. مبارزه حزب سطحی و دروغین نبود. صادقانه و عمیق بود و به همین جهت اعتماد ملت را جلب کرده و آنها را به سوی خود کشید.

دوم اینکه پیش بینی های سیاسی حزب و قضاوت هایش با وقایع سازگار شد، زیرا پیش بینی های حزب مطابق سیر واقعی تاریخ بود. حزب پیش بینی می کرد که رژیم رضاشاهی بر نمی گردد، فاشیسم شکست می خورد، دسیسه های امپریالیستی بر اراده ملت فائق نمی شود. جنبشی که متکی به توده باشد قوت می گیرد، قدرتی که برخلاف جهت تاریخ سیر می کند ولو به دولت مستعجلی برسد پایداری ندارد، حقایق صحت این پیش بینی ها را ثابت

کرد.

رژیم رضاشاه رسوا، هیتلریسم سرنگون و دسایس امپریالیستی فاش و جنبش توده ای وسیع و قوی گردید و ناپایداری و نااستواری قدرت های ضد توده ای مسلم شود.

سوم اینکه مخالفین حزب، خود را با اعمال زشت معرفی کردند و رسوا ساختند. آنچه که حزب در حق مرتجعین و امپریالیست ها می گفت در عمل ثابت شد. معلوم شد که آنها تبه کاران سود پرستی هستند و برای تامین سود خود به همه کاری دست می زنند. معلوم شد که حزب در معرفی آنها دروغ نگفته بود.

امپریالیست ها و مرتجعین با لجاجت عجیبی هرگز نخواستند از امتیازات خود کوچکترین گدشتی کنند و در روش خشن خود تغییری بدهند. بدین ترتیب ماهیت آنها بر کسی مخفی نماند.

چهارم اینکه ترقی جنبش دموکراسی در جهان و قیام آذربایجان امید توده ها را به پیروزی قطعی قوی کرده و همه و هر نوع آزادیخواهی را به سوی حزب کشید. این عوامل موجب رشد و ترقی سریع گردید.

حزب در دوران این رشد و توسعه به وسیله مبارزات خود قوت گرفته و محکم می شد. مراحل این مبارزات به قرار زیرین است:

۱) دوره اول مبارزه به ضد عمال رضاخان: دژخیمان شهریانی مختاری، متملقین پرورش افکار، مامورین املاک رضاخانی، روزنامه نویس های متملق «عصر مشعشع»، وکلای فرمایشی دوره سیزدهم و متصدیان و دستگاه زنگ زده دولتی و فزایران شهریور. حزب در مبارزه بی امان خود برضد این افراد مانسک آنها را برداشته و حقایق را بی پرده بیان کرد. اسرار شهریانی مختاری را فاش ساخت، متملقین پرورش افکار را مفتضح نمود و ملت را به ننگ و رسوایی عمال رضا خان متوجه ساخت. ملت با او در این مبارزه هماهنگ بود و نسبت به این عناصر کینه و نفرت نشان می داد.

مقارن این ایسام حزب با فاشیسم و فاشیست ها مبارزه قطعی می کرد. این مبارزه ای سخت و دشوار بود. تبلیغات فاشیستی از بی خبری مردم استفاده کرده و آنها را قانع ساخته

جنبش توده ای و پیشرفت سیاست آزادی وادارد.

او می خواست از تمایل توده مردم به حفظ افکار کهنه، خود، از گریز آن ها از تحولات مترقی سودجسته، افکار مترقی حزب توده ایران را با افکار عقب مانده مقابل ساخته، احساسات ایشان را علیه حزب توده ایران برانگیزد.

و بالاخره او می خواست با استفاده از احساسات واقعی مردم، روش سفسطه جویانه ای درپیش گرفته و به نام وطن و استقلال و ملیت و سنن ملی و حتی سوسیالیسم عوام فریبی کرده، خود را قهرمان ملی ساخته، نظر مردم را از روش امپریالیستی انگلستان برگرداند، دولت شوروی را به عنوان دولت امپریالیستی تنها دشمن استقلال ملت ایران معرفی نماید.

آیا سیدضیاءالدین در این کوشش خود موفق گردید؟

سید ضیاءالدین در این کوشش خود سرانجام موفق نگردید.

او موفق نشد زیرا حزب توده ایران در عمل دروغ بودن اتهامات سیدضیاءالدین را به ثبوت رساند و به کارگران و دهقانان و پیشه وران و روشنفکران فهماند که سیدضیاءالدین یک سوسیالیست نیست، بلکه یک عامل امپریالیستی است، یک ناسیونالیست نیست، بلکه محکم کننده بندهای رقیبت استعماری است.

حزب به ثبوت رساند که سیدضیاءالدین برای چه منظور به ایران آمده و چگونه قصد او با مقاصد واقعی ملت ایران متناقض است. حزب توده ایران در تبلیغات وسیع و پرمایه خود از کلیه فرصت ها سودجسته سیدضیاءالدین را بخوبی شناساند.

او موفق نشد زیرا روش سیاسی انگلستان از مدت ها پیش در ایران شناخته و محکوم شده بود و کافی بود که نسبت سیدضیاءالدین به این سیاست واضح گردد تا خود او نیز محکوم شود. وقایع نسبت آشکار او را با سیاست انگلستان واضح کرد.

او موفق نشد زیرا دولت شوروی در ایران، در میان طبقات زحمتکش و روشنفکر دوستانی پیدا کرده بود که به ماهیت رژیم و خصلت سیاست شوروی پی برده و از آن حمایت می کردند. مسلم است که سفسطه های سیدضیاءالدین در امپریالیست معرفی کردن سیاست شوروی، در عقب مانده معرفی کردن رژیم شوروی کارگر نیفتاد.

بود که گویا هیتلر از جنگال امپریالیسم نجات شان می بخشد و آنها را به تمام آرزوهای ملی خود می رساند. چرا این تبلیغات نفوذ کرد؟ علت اساسی نفوذ، کمک تمام دستگاه های ارتجاعی و امپریالیستی بود. نفوذ سرمایه آلمانی بازرگانان ایرانی را به این تبلیغات علاقمند می ساخت و آنها خود در پخش شایعات هیتلریها نقش بزرگی را بازی می کردند. رضاشاه هرگز با این تبلیغات مخالفت نشان نمی داد، زیرا شخصا از چنین شیوه هایی پیروی می کرد.

حزب با کمک وقایع، که افتنضاح فاشیسم را تثبیت می کرد، جلو می رفت و سرانجام حزب هم در مبارزه با عمال رضاخان و هم در مبارزه با فاشیسم پیروز شد و شعارهای او در مردم رخنه کرد.

۲) دوره دوم مبارزه حزب با اولین دسته های فتنه انگیزی ضد توده ای به نام اتحادیه و حزب، با حزب نهضت ملی، با اتحادیه کارگران یوسف افتخاری است. حزب نهضت ملی با کمک امپریالیست ها مبارزه خود را با اتحادیه های وسیع کارگری ما در اصفهان شروع کرد و بالاخره شکست خورد. این حزب با همه دست و پای خود نتوانست در تهران قوت بگیرد و سرانجام با ناکامی بدوران رخوت و انزوای خود فرو رفت. اتحادیه کارگران یوسف افتخاری با مجزا شدن دسته های کارگران بیدار و افراد پاکدامن از آن منحط و مفتضح شد. این اتحادیه که با تقاب کارگری در کارگران تهران و مازندران و آذربایجان رسوخ کرده بود، درمقابل روش درست حزب و اتحادیه های ما شکست خورد و تلاشی شد.

۳) دوره سوم دوره مبارزه حزب با سیدضیاءالدین به عنوان مظهر و کوشش امپریالیستی در راه ایجاد یک قدرت متشکل و منظم ارتجاعی برضد جنبش توده ای است.

سیدضیاءالدین می خواست چه نقشی را بازی کند؟

او می خواست از کلیه عناصر مخالف با یک جنبش توده ای، برای ایجاد یک قدرت واحد، استفاده کند.

او می خواست اربابان، خان ها، سرمایه داران، بازرگانان و وابستگان این طبقات را از غلبه جنبش توده ای بترساند و با سلاخی که هیتلر سعی در ایراد شکاف بین متفقین داشت، با سلاح «تهدید بلشویسم» کلیه قوای مستعد را زیر رهبری امپریالیسم انگلستان به جنگ با

او موفق نشد زیرا در تلاش خود برای جلب هرگونه طبقات و ایجاد «وحدت ملی» دچار تناقض شد. سوسیالیت نبودن و با زحمتکش دشمنی داشتن و از عقاید مترقی بیزار بودن خود را بزودی واضح کرد و باهمکاری که انتخاب نمود هرگونه رابطه ای را با ملت ایران گسیخت.

و بالاخره او موفق نشد زیرا ایجاد وحدت در میان طبقات خان ها و ارباب ها و سرمایه داران امکان پذیر نبود و این امر به دلایل ذیل:

۱) در میان این طبقات رقابت و دشمنی اقتصادی شدیدی حکمفرما بود که آنها را به صورت دسته بندیهای دائم التغییری درآورده بود:

۲) عناصر نسبتا مترقی این طبقات که با ادامه تحولات بورژوازی موافق بودند شعارهای علنا ارتجاعی سیدضیاءالدین را نمی پسندیدند:

۳) امپریالیسم آمریکا در میان این طبقات شکافی ایجاد کرده و از عناصر جوان تر آنها برای ایجاد پایگاه امپریالیستی خود استفاده می کرد. این عناصر برای رسیدن به قدرت جنگ دو جبهه ای را اعلام کرده و تحت لفاظ «نه روس نه انگلیس» در حقیقت اعلان کردند که هم با امپریالیسم انگلستان و هم با پیشرفت نهضت سوسیالیستی سرچنگ دارند، منتها شدت جنگ با اولی بمراتب کمتر از دومی است.

چنین است علل عدم موفقیت سیدضیاءالدین.

این عدم موفقیت ثابت کرد که در اثر مبارزه منظم، یک حزب می تواند بزرگترین کوشش های امپریالیستی را با شاه مات روبرو کند.

مبارزه موفقیت آمیز برضد روش امپریالیستی سیدضیاءالدین یکی از درخشان ترین فصول مبارزه حزب توده ایران است.

۴) دوره چهارم دوره مبارزه پارلمانی حزب توده ایران، دوره مبارزه دولتی برضد کلیه اقدامات امپریالیستی و ارتجاعی برای ۱) احیاء رژیم استبداد: ۲) جلوگیری از رشد جنبش توده ای، ۳) کشیدن حصار محاصره بدور شوروی در ایران و برهم زدن حسن روابط ایران و شوروی است.

در مبارزه خود علیه کابینه های ساعد و صدر و حکیم الملک، حزب با موفقیت تمام نقشه های آنان و خصلت امپریالیستی سیاست آنان را فاش ساخته و حقانیت راه خود را به ثبوت رساند.

۵) دوره پنجم مبارزه حزب توده ایران دوره مبارزه برضد سیطره سیاست امپریالیستی آمریکا، مبارزه برضد کوشش تازه گروپ آمریکایی طبقات حاکمه به سبک کوشش شکست خورده سیدضیاءالدین است. این مبارزه که تا امروز ادامه دارد مرحله خونین مبارزه است. حزب در این مبارزه دچار ناکامی ها شده و با غلبه ارتجاع روبرو گردیده است. مطالعه علل شکست سیدضیاءالدین نشان می دهد که این کوشش جدید نیز با آنکه در محیط مساعدتری رشد کرده و به موفقیت های بسی مهمتر از موفقیت های سیدضیاءالدین رسیده سرانجام با ناکامی روبرو خواهد شد.

امپریالیسم جدید با استفاده از قدرت اقتصادی، صنعتی و نظامی خود طبقات حاکمه ایران را سحر کرده و آنها را به اطاعت از خود وادار نموده است.

امپریالیسم جدید ایران را به عنوان بازار فروش کالاهای وارده، مرکز تهیه نفت، پایگاه نظامی برضد شوروی، حصاری بگرد این کشور لازم دارد.

امپریالیسم جدید با تقویت از کلیه عناصری که سابقا مداح فاشیسم بوده اند و تشویق از روش های آشکار ضد دموکراسی در ایران نفوذ کرده است.

اینهاست ادوار مشخص مبارزات حزب توده ایران در راه تامین دموکراسی و حقوق توده ملت.

چنین است شرایط ظهور، طریقه رشد و مبارزه حزب توده ایران.

اینک ببینیم از لحاظ تاریخی حزب توده ایران دارای چه مختصات است.

مختصات این حزب بخصوص در مقایسه با جنبش های نظیر آن در ایران چیست.

ج - خصایص تاریخی حزب توده ایران

گزیده ای از آثار رفیق احسان طبری

سومین خصیصه حزب توده ایران به عنوان یک جنبش توده ای در این است که این اولین جنبشی است که با داشتن یک سازمان متمرکز و منظم وارد مبارزه شده است.

جنبش های ملی و توده ای دیگر سابقا اهمیت نقش تشکیلات را در کار مبارزه کوچک فرض می کردند. بدون داشتن یک حزب متشکل و با انضباط، حزبی که از نظم و دیسپلین کامل برخوردار باشد، نمی توان مبارزه کرد. اگر نواقص حزب از این لحاظ در گذشته کم بود امروز ما در مقابل حوادث پدیدارتر بودیم با اینکه حزب توده ایران نسبت به احزاب دیگر ملی قبل از خود از این لحاظ برتری داشت ولی هنوز از بسیاری لحاظ نقص داشت. سانترالیسم در حزب کم و یک نوع لیبرالیسم ناشی از تمایلات برخی از «روشنفکران» در آن زیاد بود. حزب مطابق اصول «خود بخودی» و «خرده کاری» جریان داشت و در نتیجه دچار مشکلات بسیار شد.

اگر حزب توده ایران بخواهد در مبارزه پیروز شود باید به امر تشکیلاتی اهمیت فوق العاده بدهد و مرکزیت و انضباط شدید را در صفوف خود برقرار سازد.

در این امر حزب نباید تابع تمایلات لیبرالیستی و حتی آمارشیستی بشود، بلکه باید جدا از یک روش مستحکم تشکیلاتی پیروی کند.

پیروزی و شکست حزب توده ایران در اینجا قرار دارد.

آن حلقه اساسی در زنجیر حوادث تاریخ که امروز برای ما اهمیت دارد این است.

چهارمین خصیصه حزب توده ایران به عنوان یک جنبش توده ای در این است که این حزب به مبارزات عملی برای منافع کارگر و دهقان و بطور کلی ملت ایران دست زد. جنبش های ملی دیگر سابقا فقط کلمات مشعشعی راجع به غرور ملی و سعادت ایرانی و ترقی و تعالی مادر وطن و امثال آن را تکرار می کردند ولی در صحنه زندگی قدمی برنمی داشتند. این امر اعتماد توده ها را به این جنبش ها جلب نمی کرد و در نتیجه آنها را ناپایدار می ساخت. مبارزه حزب توده ایران برای مزد و کار روزانه و بهره مالکانه و امثال آن علاقه کارگر و دهقان و اعتماد او را نسبت به حزب جلب کرد و در نتیجه حزب را ریشه دار و محکم ساخت.

پنجمین خصیصه حزب توده ایران به عنوان یک جنبش توده ای در این است که این

گزیده ای از آثار رفیق احسان طبری

نخستین خصیصه حزب توده ایران به عنوان یک جنبش توده ای در این است که این اولین جنبش آگاه و از روی شعور است که به تئوری اجتماعی پیشروی مجهز بوده، راه خود را در پیچ و خم حوادث از روی علم و آگاهی می یابد. جنبش های ملی دیگر در ایران از این لحاظ ناقص بودند که جهان بینی و تئوری اجتماعی معین و مشخصی را در نظر نداشتند. اقدامات آنها از احساسات سرچشمه می گرفت نه از حساب و اندازه گیری. مسلم است که این جنبش در اولین ناگواری، در اولین برخورد با یک امر پیچیده و دشوار خطا می کند و بر اثر خطای خود درهم می پاشد. بعلاوه جنبشی که با یک جهان بینی، با یک تئوری مشخص و معینی مجهز نباشد نمی تواند روش پی گیر و عقیده داری داشته باشد، بلکه بزودی با اولین موفقیت ها مست شده، راه خود را گم کرده و در تبااهی و فساد فرو می رود. علت آنکه جنبش های پیش از جنبش حزب توده ایران بزودی ماهیت مبارزه خود را از دست داده، یا زشتکار و فاسد می شدند در این بود.

دومین خصیصه حزب توده ایران به عنوان یک جنبش توده ای در این است که این اولین جنبش متشکلی است که پیوند خود را با توده های وسیع مردم محکم کرده و به کارگر و دهقان و پیشه ور روی آورده و آنها را سازمان داده است. جنبش های ملی و توده ای دیگر سابقا از این لحاظ ناقص بودند که آنها به توده های وسیع توجهی نداشتند و به همکاری چند تن از «متنفذین» و «سرشناسان» و جمعی از عناصر «منورالفکر» «مرکز» دلخوش می شدند و مبارزات آنها بطور عمده در صحنه های زندگی، کارخانه، ده، اداره، دانشگاه انجام نمی گرفت، بلکه در «محافل انس» و مجلس شورا و ستون های جراید انجام می یافت. مسلم است که این جنبش ها بواسطه بی اساس و ریشه بودن خود در برخورد با نخستین ناگواری، نخستین حادثه نامطلوب درهم شکسته، خود می شدند، علت آنکه حزب توده ایران در زیر ضربات سنگین قدرت معنوی خود را از دست نداده و به حیات خود همچنان ادامه می دهد در این است.

اگر حزب توده ایران بخواهد ماهیت خود را حفظ کند و به حیات خود ادامه دهد باید پیوند خود را با توده های وسیع نگسلد.

گزیده ای از آثار رفیق احسان طبری

حزب شعارهای خود را مطابق با مطالبات تاریخ تنظیم کرده، نه از آن عقب مانده و نه جلو دویده است، جنبش های دیگر از این لحاظ ناقص بودند که با غالباً از مطالبات تاریخی عقب میماندند و حسرت تاریخ را درک نسکرده، شعار های کهنه شده ای را تکرار می کردند و یا بدون توجه به شرایط محیط شعارهایی می دادند که مردم از هضم آنها عاجز بود.

جانانداری یک حزب به عنوان ارگان پیشرو مبارزه توده در این است که مطالبات واقعی مردم را منعکس کند و بانگ او بانگ مردم باشد.

از مطالعه این خصایص که باعث موفقیت حزب توده ایران شد میتوان بخوبی فهمید که چرا احزاب دیگر در ایران با نگرفته و نفوذ نمی یابند.

همچنین از تطبیق این مطالعات به احوال کنونی حزب، میتوان به نتایج زیرین رسید:

۱) باید سطح آگاهی عموم مجاهدین حزبی بالا برود. هر مجاهدی از تئوری مبارزه و جهان بینی علمی رهنمای مبارزه باخبر گردد.

۲) باید روابط حزب با طبقات وسیع کارگر و دهقان هرگز سست نشود. باید اعتماد طبقات کارگر و دهقان به حزب و امید آنها هرگز از میان نرود.

۳) باید در حزب اصول مرکزیت و انضباط شدید متناسب با دوران جدید مبارزه برقرار گردد و این امر یک قدم حیاتی و اساسی تلقی شود و اصول نقشه ای جای اصول خودبخودی و کار منظم و هماهنگ جای خرده کاری را بگیرد.

۴) باید حزب هرگز از مبارزات عملی به نفع طبقات کارگر و دهقان غافل نشود.

۵) باید حزب پیوسته مطالبات واقعی ملت را منعکس کرده و از سیر تاریخ عقب نماند و همچنین از آن جلو نرود.

شرایط ظهور، مراحل رشد و مختصات حزب توده ایران چنین است.

با بررسی این نکات بخوبی میتوان فهمید که حزب توده ایران در گذشته راه درخشانی را پیموده و در آینده نیز باید این راه را پدرستی پیماید.

حزب باید مبارزات افتخارآمیز خود را ادامه دهد و با غنی کردن سنت محمود خود نقش قهرمان تاریخ ایران را بازی کند.

حزب امروز در یک شرایط بحرانی است. مطالعه نکات فوق خصایص و علل این بحران را واضح می کند ولی باز کوشش خواهیم کرد که آن را در مقاله علیحده تحت مداخله قرار دهیم.

فقط با تجزیه و تحلیل اوضاع و نتیجه گیری صحیح می توان راه را بسوی آینده گشود.

مجله "نامه مردم" شماره ۸، اردیبهشت ماه ۱۳۳۶